

۵گزینه احتمالی جانشینی یحیی سنوار

بارهبران ارشد حماس آشناشود

برخی تصور می‌کنند که شهادت یحیی سنوار در راس حماس خلأقدرت ایجاد خواهد کرد و این پریشش را مطرح می‌کند که چه کسی برای پرکردن این خلأدر این مرحله حساس از جنگ غزه وارد عمل خواهد شد؟ اما از نگاه برخی دیگر از تحلیلگران ، سازمان حماس از همان ابتدای تاسیس به نحوی سازماندهی شده که بتواند بعد از ترور هر رهبر یا فرمانده در هر سطح، جانشینان احتمالی او را معرفی کند. چه اینکه از نظر کارشناسان سیاسی، مرگ سازمانی که بنیان آن پیوندهای ایدئولوژیک و فعالیت‌های نظامی بوده، اساسا معنادار و چرخه مشکلات در طول زمان، سازمان‌های چریکی را مقاوم‌تر، رادیکال‌تر و در برابر دشمنانش با انگیزه‌تر می‌کند. در چنین چارچوب نظری، به نظر نمی‌رسد مرگ یحیی سنوار به نفع اسرائیل بوده باشد و حالا باید دید چه کسی جانشین او خواهد شد. در این راستا دو دیدگاه بین فلسطینی‌ها درباره جانشینی سنوار وجود دارد. دیدگاه اول قائل به انتخاب جانشین از میان فرماندهان نظامی حاضر در جغرافیای درون غزه هستند با این استدلال که آنها نزدیکی بیشتری به نیروهای میدانی دارند و از وضعیت مردم نیز مطلع هستند. این افراد اگرچه محدودیت‌های ارتباطی بسیاری با بیرون غزه دارند اما توانمندی آنها برای هدایت واحدهای نظامی حماس بیشتر است. دیدگاه دوم معتقد به انتخاب جانشین سنوار از میان افراد شاخه سیاسی این تشکیلات در بیرون غزه و از بین کسانی است که در قطر واردن سکونت دارند. استدلال این گروه آن است که انتخاب چنین افرادی ظرفیت بیشتری به حماس می‌دهد تا برای پایان دادن به جنگ با نمایندگان دیگر کشورها مذاکره کند.
مختل ترین گزینه‌های پیش‌روی حماس برای جانشینی یحیی سنوار را اینگونه می‌توان بررسی کرد.

- آز محمد سنوار تا خالد مشعل**

تحلیلگران از برادر یحیی سنوار، محمد سنوار به‌عنوان محتمل‌ترین گزینه جانشینی او سخن می‌گویند. محمد مانند برادرش برای مدت طولانی رهبر شاخه نظامی حماس بوده است و ارتقای او به رهبری می‌تواند نشان دهنده تداوم استراتژی‌های این گروه در حوزه نظامی علیه اسرائیل باشد. بر اساس گزارش‌ها، محمد چهره‌ای رادیکال‌تر از یحیی است و مقامات آمریکایی ابراز نگرانی کردند که رهبری او مذاکرات صلح را چالش برانگیز خواهد کرد. در حالی که پیش‌رو خود را از توجه‌ها دور نگه داشته اما شخصیتی مهم در عملیات‌های نظامی این گروه بوده و تاکنون از چندین تلاش برای ترور توسط اسرائیل جان سالم به در برده است. خالد مشعل یکی از بنیانگذاران حماس محسوب می‌شود. به دستور مستقیم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، سازمان جاسوسی موساد در سال ۱۹۹۷ زمانی که مشعل در اردن زندگی می‌کرد اقدام به ترور او کرد. مأموران موساد با اسپورت‌های جعلی کانادایی وارد اردن شدند و در حالی‌که خالد مشعل در خیابان راه می‌رفت ماده‌ای سمی را به وی تزریق کردند. مقامات اردنی این سوء قصد را کشف و دو عضو موساد را دستگیر کردند. این مساله به بحرانی در رابطه اردن و اسرائیل تبدیل شد و پادشاه سابق اردن از نخست‌وزیر اسرائیل خواست پادزهر ماده سمی را در اختیار آن‌ها قرار دهند. وی تهدید کرد که در غیر این صورت تا قطع روابط دیپلماتیک دو کشور پیش خواهد رفت. اسرائیل یادزهر را تأمین کرد و در نتیجه خالد مشعل از مرگ نجات یافت. او که از آن پس در قطر زندگی می‌کند، برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ از نوار غزه دیدن کرد و مورد استقبال مقامات فلسطینی قرار گرفت.

حماس در سال ۲۰۱۷ اسماعیل هنیه را به‌عنوان جانشین او به‌عنوان رئیس دفتر سیاسی خود انتخاب کرد. خالد مشعل هرچند اکنون به حاشیه رانده شده، با این حال شخصیتی کلیدی در تشکیلات حماس محسوب می‌شود. محمود الزهار، یکی از بنیانگذاران حماس و یکی از نامزدهای پیشین‌تر برای جانشینی یحیی سنوار است. الزهار در شکل دادن به چارچوب ایدئولوژیک این گروه که بر مقاومت نظامی علیه اسرائیل و هم در تشکیل حکومت اسلامی در غزه تمرکز داشت، نقش مهمی ایفا کرد. او به‌رغم نجات از چندین تلاش برای ترور از سوی اسرائیل در سال ۱۹۹۲ و دوباره در سال ۲۰۰۳، همچنان یک چهره کلیدی در ساختار سیاسی حماس به‌شمار می‌رود.

- ابومرزوق؛ خلیل الحیه**

موسی ابومرزوق، یکی از اعضای ارشد دفتر سیاسی حماس و از گزینه‌های احتمالی جانشینی سنوار است. او پس از جدایی از اخوان المسلمین فلسطین در اواخر دهه ۱۹۸۰ به تأسیس حماس کمک کرد. ابومرزوق زمانی رئیس دفتر سیاسی حماس بود و مدت‌هاست که در عملیات سازمانی مالی حماس، از جمله حمایت از فعالیت‌های شبه نظامی، مشارکت داشته است. ابومرزوق به‌رغم زندانی شدن در ایالات متحده در دهه ۱۹۹۰ به اردن تبعید شد و همچنان یک چهره با نفوذ در دستگاه سیاسی این گروه باقی مانده است. اگرچه او بیشتر وقت خود را در تبعید گذراند است، اما تجربه و پیوندش با ایدئولوژی اصلی حماس او را به یک نامزد قوی برای تصدی رهبری سیاسی تبدیل کرده است. از سوی دیگر الحیه که اکنون در قطر در تبعید زندگی می‌کند، چندین دهه یکی از مقامات مهم بوده و معاون یحیی سنوار بود.

شنبه
۲۸ • ۰۷ • ۱۴۰۳
شماره ۱۹۴هفتم
۱۵ ربیع الثانی ۱۴۴۶ / ۱۹ اکتبر ۲۰۲۴

armanmeli.ir

سازمان

سردمدار فشار به پزشکيان کيست؟

واکنش ظریف به حملات تندروها

◀ **معاون راهبردی رئیس جمهور: بایداری می‌خواهد من را عزل کند؛ اما یاد بگیریم همدیگر را تحمل کنیم**

◀ **میرمحمد صادقی: نباید با نگاه توطئه‌ای کشور را از خدمات افراد دارای تابعیت محروم کرد**



کند. به‌خصوص که سخنان ایشان هیچ نکته حرمانه‌ای نداشت. ۲. نمایندگان حاضر، ادعای بنده را تکذیب کنند. اگر

صوت منتشر نشد (که نمی‌شود) ظریف حتما خودش گوش کند». از سوی دیگر دلوایسان بر ادعای خود اصرار دارند چنانکه «رجانیوز» نوشت: «با برخی از نمایندگان حاضر در این جلسه تماس گرفتیم تا صحت ادعای ظریف به‌ویژه پس از حضورش در کنار پزشکیان انتقاد دارند و برخی او را به عدم توانایی در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی متهم می‌کنند.

- خودنمایی با هجمه به ظریف**

اخیرا حمید رسایی، نماینده تهران در کانال شخصی خود روایتی از دیدار مسعود پزشکیان با نمایندگان تهران منتشر کرد. بنا به گفته حمید رسایی، پزشکیان در پاسخ به سوالی درباره حضور غیرقانونی ظریف در جایگاه معاونت راهبردی گفته است: «آقای ظریف بیرون مانده بود، ابوزسیون ما می‌شد، داخل دولت که باشد کنترل می‌شود.» این سخنان واکنش‌های بسیاری را در فضای سیاسی کشور به‌همراه داشت به نحوی که یوسف پزشکیان در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس در پاسخ به طرح برخی روایت‌ها درباره دیدگاه پدرش به محمدجواد ظریف نوشت: «از رئیس‌جمهور پرسیدم، گفتند حرفم همان بوده که همیشه گفته‌ام. نتیجه تنگ‌نظری‌های بیرون راندن دلسوزان توانمند از دایره انقلاب است. مواضع وفاق‌ستیز به صلاح ایران نیست. دوستی و برادری‌ام با آقای دکتر ظریف خدشه‌ناپذیر و خیرخواهی و وفاداری ایشان به نظام و ایران انکارناپذیر است.» رسایی در پاسخ به پسر پزشکیان نوشت: «اینکه الان چه گفتی می‌شود مهم نیست. دو راه برای صحت‌سنجی وجود دارد: ۱. دفتر رئیس‌جمهور فایل سخنان کوتاه آقای پزشکیان را منتشر

می‌کنند. معاون اسبق قوانین مجلس با اشاره به تهدید پزشکیان بیان داشت: «شاید دلیل حساسیت‌ها به آقای ظریف به‌خاطر مخالفت برخی افراد با برجام است و نقش ایشان را در تصویب برجام پررنگ می‌بینند و دشمنی با او را در خودشان نهادینه کرده‌اند. اما اینکه ما با همچنین ادبیاتی بخواییم یا رئیس‌جمهوری صحبت کنیم در شأن نماینده مجلس نیست.» وی ادامه داد: «تصدی مشاغل حساس قانونی است که مقداری شتاب‌زده تصویب شد. گاهی اوقات تصویب قوانین مورد مفهومی که برخی از دوستان ما درباره وفاق دارند، من هم نکاتی دارم و باید در این زمینه‌گفت‌وگو کنیم. ما همه باید عادت کنیم که همه را تحمل کنیم البته آن‌ها باید بیشتر عادت کنند. چون این عادت در اندازند ولی ما به زور هم که شده عادت کرده‌ایم.» رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری با تأکید بر ضرورت وفاق بین همه گروه‌ها یک تخصصی داریم که از کوچک‌ترین بهانه‌ای نیروهای خودمان را از حیز انتفاع ببندازیم و از آنان استفاده نکنیم. آقای دکتر ظریف توانمندی‌هایی دارد و باید از آن در جهت ارتقای کشور استفاده کرد. ممکن است به ایشان نقدی وارد باشد که این انتقادات باید در جای خود تبیین شود اما اینکه به‌خاطر مسائل جناحی و سیاسی افراد را بخواییم از حیز انتفاع ببندازیم و کشور را از تخصص و تجربه آنان محروم کنیم،

آرمان ملی

سیاست

۳

گزارش

صف‌بندی سیاسی عجیب در بنر شهرداری

قایلیاف اول عراقچی آخِر!

شهرداری تهران در اقدامی ویژه بنر جدید شهرداری تهران را که دربردارنده تصاویری از مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف، سردار قآئی و عباس عراقچی است، در سطح شهر نصب کرده است. اما آنچه در تصویر این برها تحت عنوان «لشکر نصر» توجه بسیاری از کاربران فضای مجازی و فعالین سیاسی را به خود جلب کرده ترتیب ایستادن این افراد است. نخست محمدباقر قالیباف، دوم مسعود پزشکیان، سوم سردار قآئی و در آخر نیز عباس عراقچی. اگرچه در بسیاری از رسانه‌ها و کانال‌های خبری این بنر به‌عنوان «اقدام زا‌کائی» خوانده شده است و البته با توجه به مسئولیت علیرضا زا‌کائی در شهرداری تهران چنین موضوعی از اساس منتفی نیست، اما یک احتمال دیگر نیز در این طراحی وجود دارد. فراموش نکنیم محمدباقر قالیباف سال‌های سال شهردار تهران بوده است و هنوز بخشی از نیروهای میانی شهرداری تهران، نیروهای نزدیک به محمدباقر قالیباف هستند. تفکیک پشت طراحی این بنر و ترتیب قرارگرفتن افراد اما به دنبال القای چه پیامی است؟ شاید این اقدام محمدباقر قالیباف در سفر به بیروت و بازدید از محل شهادت سیدحسن نصرا… به اندازه‌ای مهم بوده که باید درصدر «مردان این میدان» قرار بگیرد. اگر این استدلال قالیباف را سرصف قرار داده است، منطق قرارگرفتن فرمانده سپاه قدس در سومین جایگاه چیست؟ اگر جای قرارگرفتن افراد مبنی بر سفر به مناطق پرخطر در روزهای اخیر بوده است یا چه منطقی مساله اصلی تقسیم‌بندی و عباس عراقچی نفر آخر لیست است؟ از اساس با چه منطقی رئیس‌جمهور در پشت سر رئیس مجلس قرارگرفته است و جلوتر از فرمانده سپاه قدس و وزیر امور خارجه؟ این نوشتار به دنبال ارزش‌گذاری بر اهمیت یا ضرورت سفر اخیر محمدباقر قالیباف به بیروت نیست بلکه مساله اصلی تقسیم‌بندی و استفاده سیاسی و تفکیک‌خودی و غیرخودی حتی در مساله‌ای همانند موضوع مقاومت و رخدادهای منطقه از منظر تفکرات پشت این تریبون است. آیا در مساله‌ای همچون مقاومت و منطقه هم باید تفکیک‌های سیاسی «کیهان‌گویانه در دستورکار رسانه‌ای نهادی همچون شهرداری باشد؟ این دست فرماان قرار است چه دستاوردی را ایجاد کند؟ علاوه بر این ابهامات در پیمازه چنین پیام‌ها و تصاویری، مساله دیگر موضوعی است که چنین رفتارهایی در هاله و پیرامون دولت ایجاد می‌کند. اینکه دولت پزشکیان به هر دلیلی تصمیم به تعیین ترکیب خاصی برای کابینه‌گرفت و سهمی و به رقیب‌باز شدن، قاعدتا باید با بازخورد مثبت این جریان روبه‌رو شود نه اینکه در کار رسانه‌ای و تبلیغاتی، حتی بر روی موضوعاتی همچون محور مقاومت آش را اقتدر شور کنند که روال کار را با مشکل مواجه کنند.

انتظار می‌رفت جریان اصولگرا و انقلابی از هر طیف و جریانی وقتی هر مساله‌ای را انتخاباتی و سیاسی می‌کند حداقل در موضوع مقاومت و وضعیت کشور دست از این اقدامات بردارد. جای تأسف که کار شهرداری تهران و درگیری‌های طیف‌های سیاسی و عشق برای خودنمایی در دل جریان اصولگرای به جایی رسیده که ترتیب قرارگرفتن افراد در یک بنر شهرداری هم دستمایه نوعی سهم‌خواهی می‌شود. قرارگرفتن محمدباقر قالیباف در صدر این بنر نمی‌تواند دستاوردی بیشتر از سفروا به مرکز بیروت برایش به ارمغان بیاورد. حتی ممکن است فضای ایجاد شده برای او در این خصوص را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد و به نوعی ضدتبلیغ برایش عمل کند. علاوه بر این در شرایطی که کشور در حالت یک آماده‌باش در برابر رژیم اسرائیل است تقسیم نیروها به اول صف و آخر صف چه پیامی را به بیرون مخابره می‌کند؟ اینکه محمدباقر قالیباف در صف صدر حوزه مقاومت باشد یا چه تعریفی از جرات سیاست خارجی حاصل شده است؟ چرا بخشی از نیروهای سیاسی تصور می‌کنند با بنر می‌توانند قهرمان‌سازی داشته باشند؟

- دولت را بشیمان کنید**

جواد امام سخنگوی جبهه اصلاحات ایران اقدام عجیب و خارج از عرف شهرداری تهران در نصب بیلبورد‌های شهری با جلوداری رئیس‌مجلس و قراردادن رئیس‌جمهور پشت‌سروا در توثیتی رومنائی از قانون اساسی جدید خواند و در شبکه ایکس نوشت: «ظاهرادر ذهن آقایان نظام ریاستی جای خود را به نظام پارلمانی داده است.» سخنگوی جبهه اصلاحات ایران در بخش دیگری از توثیت خود نوشت: «انتخاب وزرا، استانداران، معاونان، مدیران میانی و سازمان‌های تحت پوشش دولت از میان جریان رقیب و عدم به‌کارگیری نیروهای شناسنامه‌دار متعلق به جریان پیروز و علا شاعر وفاق را معلق کرده و بر تضعیف قوه مجریه و نادیده انگاشتن جریان پیروز انتخابات مهر تأیید زده است.»

او همچنین تأکید کرد: «دولت‌ها، بدون توجه به نظر اکثریت جامعه و شبکه حامیان‌شان محکوم به تضعیف و شکست هستند.» اظهارات امام درباره این تصویر البته از نظر ماهیت انتقادی ریشه‌ای قدیمی‌تر از عمر این بیلبورد دارد. بخشی از جریان اصلاحات از ابتدای معرفی کابینه مسعود پزشکیان نسبت به حضور چهره‌های غیراصلاح‌طلب در اطراف پزشکیان انتقاد داشتند. این جریان اعتقاد دارد که شیوه پزشکیان در سهم دادن به جریان رقیب نه تنها هیچ فزینتی محسوب نمی‌شود که در عمل سرمایه اجتماعی پزشکیان به‌عنوان رئیس‌جمهور منتخب را نیز با تهدید مواجه می‌کند. تأکید امام بر اینکه دولت‌ها بدون توجه به نظر اکثریت جامعه و «شبکه حامیان‌شان» محکوم به شکست هستند نیز از همین رویکرد ناشی می‌شود چرا که بر اساس این دیدگاه، حامیان مسعود پزشکیان کسانی‌که به او در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۳ رای دادند یا از او حمایت کردند، مایل به حضور چهره‌های نزدیک به جریان رقیب در هر سطحی از دولت نبودند چراکه در این صورت به خود آن فرد رای می‌دادند. رفتارهای این چنینی توسط شهرداری تهران با دستور هر کسی که انجام شده - خواه علیرضا زا‌کائی برای تسویه حساب با مسعود پزشکیان و وزیر امور خارجه‌اش، خواه با برنامه‌ریزی لشکر باقی مانده از قالیباف در بخش میانی و نیروهای انسانی شهرداری تهران- می‌تواند بیش از آنکه استفساری از وفاق ملی در برابر موضوعات و مشکلات منطقه را ایجاد کند، سنگی بر بنای نوساز دولت چهاردهم و تلاش برای آرام کردن و همراه کردن تلقی شود. سنگی که خودی‌ها همیشه بر غیرخودی‌ها زده‌اند و می‌زنند.

«**آرمان ملی**» طرح موضوع چندباره جزایر سه‌گانه ایرانی در جماع بین المللی را بررسی می‌کند:

ادعای واهی امارات برای مالکیت جزایر ایرانی

◀ **سیدعباس عراقچی: دوران سیاست خبیثانه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اروپایی‌ها به پایان رسیده است**

- ماچرا چه بود؟**

چهارشنبه بود که اولین اجلاس سران اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در بروکسل برگزار شد و محمد بن سلمان ولیعهد سعودی نیز در آن شرکت کرد. البته روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس بر اساس توافقنامه همکاری امضا شده در سال ۱۹۸۹ است که گفت‌وگوهای منظمی را در مورد همکاری بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در زمینه روابط اقتصادی، تغیرات آب و هوا، انرژی، محیط زیست و تحقیقات ایجاد می‌کند. همچنین در خلال شورای مشترگی که در فوریه ۲۰۲۲ در بروکسل برگزار شد، وزرای خارجه اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس برنامه همکاری مشترک برای ۲۰۲۲-۲۰۲۷ را تأیید کردند که در اکتبر ۲۰۲۳ به روز شد. آنچه مسلم است اتحادیه اروپا دوین شریک تجاری بزرگ کشور اروپا و شورای همکاری خلیج فارس است. در سال ۲۰۲۳، واردات سوخت‌های معدنی بیش از ۷۵ درصد از واردات اتحادیه اروپا از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌داد. اما آنچه این اجلاس را مهم می‌نمود بیانه پایانی نشست بود که باز هم در آن بیانه مشترک ادعاهایی علیه جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) مطرح شد. در بیانه مشترک نشست یابانی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه اروپا ادعا شده است: ما از ایران می‌خواهیم به اشغال جزایر سه‌گانه امارات متحده عربی، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات متحده عربی و اصول منشور سازمان ملل متحد است پایان دهد. البته این اولین بار نیست که این اتفاق می‌افتد. در گذشته نیز شورای همکاری خلیج فارس حمایت چین و روسیه را درباره این ادعاهای واهی جلب کرد که موضع‌گیری چین و روسیه موجب ناخرسندی ایران شده، واکنش صریح ایران را در پی داشت.

- واکنش‌ها به بیانه مشترک**

پس از انتشار بیانه پایانی نشست مشترک اتحادیه اروپا با شورای همکاری خلیج فارس شاهد واکنش‌های زیادی از سوی مقامات و مسئولان کشورهای مختلف به این بیانه بودیم. چنانکه سیدعباس عراقچی در شبکه ایکس نوشت: دوران سیاست خبیثانه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اروپایی‌ها در منطقه ما مدت‌های مدیدی است که به سر رسیده است. بخش ایران در بیانه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس پیام‌های زیادی در خود دارد. از نظر ما روشن است که مسیر همکاری با احترام که از سوی ما

^[1] چهارشنبه بود که اولین اجلاس سران اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در بروکسل برگزار شد و محمد بن سلمان ولیعهد سعودی نیز در آن شرکت کرد

^[2] البته روابط اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس بر اساس توافقنامه همکاری امضا شده در سال ۱۹۸۹ است که گفت‌وگوهای منظمی را در مورد همکاری بین اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در زمینه روابط اقتصادی، تغیرات آب و هوا، انرژی، محیط زیست و تحقیقات ایجاد می‌کند

^[3] همچنین در خلال شورای مشترگی که در فوریه ۲۰۲۲ در بروکسل برگزار شد، وزرای خارجه اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس برنامه همکاری مشترک برای ۲۰۲۲-۲۰۲۷ را تأیید کردند که در اکتبر ۲۰۲۳ به روز شد

^[4] آنچه مسلم است اتحادیه اروپا دوین شریک تجاری بزرگ کشور اروپا و شورای همکاری خلیج فارس است

^[5] ما از ایران می‌خواهیم به اشغال جزایر سه‌گانه امارات متحده عربی، تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که نقض حاکمیت امارات متحده عربی و اصول منشور سازمان ملل متحد است پایان دهد

^[6] در گذشته نیز شورای همکاری خلیج فارس حمایت چین و روسیه را درباره این ادعاهای واهی جلب کرد که موضع‌گیری چین و روسیه موجب ناخرسندی ایران شده، واکنش صریح ایران را در پی داشت

^[7] پس از انتشار بیانه پایانی نشست مشترک اتحادیه اروپا با شورای همکاری خلیج فارس شاهد واکنش‌های زیادی از سوی مقامات و مسئولان کشورهای مختلف به این بیانه بودیم

^[8] چنانکه سیدعباس عراقچی در شبکه ایکس نوشت: دوران سیاست خبیثانه «تفرقه بینداز و حکومت کن» اروپایی‌ها در منطقه ما مدت‌های مدیدی است که به سر رسیده است

^[9] بخش ایران در بیانه مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس پیام‌های زیادی در خود دارد

^[10] از نظر ما روشن است که مسیر همکاری با احترام که از سوی ما